

جنات عدن

عبدی بیگ شیرازی

تصحیح و پژوهش
دکتر احسان اشراقی
مهرزاد پرمیزکاری



انتشارات سخن

سرشناسه	: نویدی، زین العابدین بن عبدالمؤمن، ۹۲۲-۹۸۸ هـ.
عنوان و نام پدیدآور	: جنات عدن/ عبدی بیگ شیرازی؛ تصحیح و پژوهش احسان اشراقی، مهرزاد پرهیزکاری.
مشخصات نشر	: تهران، سخن، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۲۵۶ ص
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۳۷۲-۸۰۹-۰
وضعیت فهرست نویسی	: قیفا
موضوع	: شعر فارسی - قرن ۱۰ ق.
موضوع	: Persian poetry - 16 th century
شناسه افزوده	: اشراقی، احسان، ۱۳۰۷-، مصحح
شناسه افزوده	: پرهیزکاری، مهرزاد، ۱۳۴۹-، مصحح
رده بندی کنگره	: ۸۱۳۹۵ ج ۸ / PIR۶۱۴۵
رده بندی دیویی	: ۸۱۴ / ۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۲۴۹۴۱۶

اتقادات سخن

خیابان انقلاب، خیابان شنگ

خیابان وحید نظری، شماره ۹

فکس: ۶۶۴۰۵۰۶۲

www.sokhanpub.com

e.mail: info@sokhanpub.com

جنات عدن

عبدی بیگ شیرازی

تصحیح و پژوهش:

دکتر احسان اشراقی، مهرزاد پرهیزکاری

چاپ اول: ۱۳۹۵

تیراژ: ۱۱۰۰ نسخه

لیتوگرافی: کوثر

چاپ: دایرة سفید

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۷۲-۸۰۹-۰

تلفن تماس برای تحویل کتاب در تهران و شهرستان‌ها

۶۶۹۵۳۸۰۵ و ۶۶۹۵۳۸۰۴

فهرست

۹	 مقدمه
۲۸	 دیباجه شاعر
۲۹	 روضة الصفات
	فی التبت / ۳۱
	در منقبت حضرات ائمه معصومین علیهم السلام / ۳۲
	در دعای دولت شاه دین پناه / ۳۳
	سبب نظم کتاب / ۳۴
	مقدمه در ذکر مجملی از عمارات راجح / ۳۵
	آغاز صفت باغ مبارک سعادت آباد / ۳۹
	صفت ارشی خانه و حوض میان آن که در چهار سوی سبط باغ واقع است / ۴۰
	صفت سرحوض و ایوان / ۴۲
	صفت باغ امام علیه السلام به سرکاری شاه قلی خلعه شهر در / ۴۳
	صفت باغ میرعلی گسکنی / ۴۴
	صفت باغ که تالار در میان دارد / ۴۵
	صفت باغ مراد بیگ / ۴۵
	صفت باغ حسن بیگ یوزباشی / ۴۶
	صفت باغ عبدالله خان / ۴۷
	صفت باغ بدرخان / ۴۷
	صفت باغ قورچی باشی و تالاری که به سرکاری سعداً مسعود اتمام یافته / ۴۷
	صفت باغ میر شمس الدین علی / ۴۸
	صفت باغ انگورستان / ۴۸
	صفت باغ حاجی آقا / ۴۹
	صفت گلزار مشهور به باغ غریبلر / ۴۹
	صفت باغ فرخزاد بیگ / ۴۹
	صفت باغ خواجه قطب الدین جامی / ۵۰
	صفت قطعات جانب مغرب باغ به تفصیل و عمارات آن / ۵۰

صفت باغ بهرام میرزا و خانه شروانی / ۵۰
 صفت صفه و ایوان غربی و حوض و تالار و دکان و باغ سرحوض / ۵۱
 صفت باغ سید بیگ / ۵۴
 صفت باغ شاه نعمت الله / ۵۴
 صفت باغ قاضی ضیاء الدین / ۵۵
 صفت باغ قاجار / ۵۵
 صفت چمن قاسم بیگ / ۵۶
 صفت باغ سید میرزا / ۵۶
 صفت باغ گنج قاضی ضیاء الدین / ۵۶
 چون این باغ حسب فرمان نواب کامیاب به نواب علیاحضرت ناموس العالمی تعلق گرفته
 و آب دید بیان این معنی نمودن و دست به دعای عمر و دولت نواب مستطاب مشارالیه
 این ترتیب گشودن / ۵۷
 خاتمه مشتمله بر دعای دولت شاه دین پناه / ۵۸

دو حقه الازهار ۶۱

نعت حضرت محمد مصطفی و منقبت حضرت امیر المؤمنین و سایر ائمه معصومین علیه السلام
 به اسلوب مجذبات / ۶۱
 دعای دولت نواب شاه شاهان علی بن ابی طالب علیه السلام و سلطانه / ۶۵
 آغاز و صفای دار السلطنه - غفر آباد / ۶۷
 صفت خیابان / ۶۸
 صفت بهار و تعریف باغ سعادت آباد / ۶۹
 صفت حاشیه و خیابان های باغ / ۷۱
 صفت ایوان شمالی / ۷۳
 خطاب به ایوان شمالی / ۷۳
 صفت روضات و باغات جانب شرقی / ۷۴
 صفت عمارات و باغات جانب غربی / ۷۵
 صفت خانه شروانی / ۷۶
 صفت ایوان زیرین / ۷۸
 صفت ایوان بالا / ۷۸
 صفت حوض و قاز و قو و بط / ۷۹
 دعا / ۸۰
 صفت شب روح پرور روح گستر که نواب کامیاب در ایوان دولت خانه جعفر آباد بودند و این بنده
 به سعادت زمین بوس رسید / ۸۱
 صفت شیرین و فرهاد و کوه بیستون / ۸۲
 تصویر شیرین و خسرو و چشمه آب / ۸۳
 تصویر مجلس بزم / ۸۴
 تصویر شکارگاه / ۸۴
 تصویر چوگان بازی / ۸۵
 تصویر باغ و سیر جوانان در آن / ۸۵
 تصویر مجلس یوسف و زلیخا و دست بردن زنان مصر / ۸۵
 تمه حکایت مجلس بهشت آیین در ایوان / ۸۶

- صفت گنبدی منبت کاری / ۸۸
 تصویر رزم / ۹۰
 تصویر شکارگاه / ۹۰
 صفت قیق اندازی / ۹۱
 صفت فن تصویر و اشعار به تعریف دست و قلم شاه جهانگیر / ۹۱
 تتمه اوصاف عمارت و باغ دیوان خانه همایون / ۹۳
 صفت باغ حرم علیّه عالیّه و حوض ها و ایوان ها / ۹۴
 صفت ایوان مصور به تصویر غزای گرجی / ۹۸
 صفت قصر جهان نمای که بر سردر جانب میدان اسب ساخته اند / ۹۹
 خاتمه کتاب / ۱۰۱
 داستانی که حسب الحکم جهان مطاع در جواب داستان شیخ نظامی گفته شده / ۱۰۲

۱۱۷ جنت الارواح

- فی نعت النبی صلوات الله علیه و آله / ۱۲۰
 فی مناقب یحییٰ المومنین علیهم السلام / ۱۲۱
 مدح شاه دین و ظل الله / ۱۲۲
 خطاب زمزمی بوسه سبب نظم / ۱۲۳
 آغاز و صافی دیر جعد آباد / ۱۳۵
 صفت خیابان جعفر آباد / ۱۳۶
 صفت دولتخانه همایون / ۱۳۶
 صفت مجلس گوی بازی / ۱۳۷
 صفت مجلس لیلی و مجنون / ۱۳۷
 صفت باغ سعادت آباد / ۱۳۱
 صفت فصل تموز و میوه های آن فصل / ۱۳۳
 صفت پالیز به معماری گوشه میر خراسانی / ۱۳۷
 صفت بستان ایوان اسب / ۱۳۷
 صفت پالیز تقماق بیک / ۱۳۸
 صفت پالیز شاهزاده سلطان حیدر میرزا / ۱۳۸
 صفت بستان پیش ایوان دیوان خانه قدیم / ۱۳۸
 صفت پالیز پیش ایوان مجدد / ۱۳۸
 صفت پالیز به بستان بانی علی / ۱۳۹
 صفت سایر پالیزها / ۱۳۹
 صفت خربرزه به طریق اجمال / ۱۳۹
 صفت اصناف خربرزه / ۱۴۰
 صفت هندوانه / ۱۴۵
 تتمه صفت باغ و ریاحین این فصل / ۱۴۵
 خاتمه / ۱۴۷

۱۴۹ زینت الاوراق

- فی نعت سید الانبیا صلوات الله علیه و آله / ۱۵۲
 فی منقبة ائمة المعصومین علیهم السلام / ۱۵۲

در مدح و دعای شاه دین پناه خلدالله ملکه و سلطانه / ۱۵۳
 ترجیح دارالسلطنه جعفرآباد بر سایر بلاد / ۱۵۴
 مقایسه بین قزوین و شهرهای معروف خارج و داخل / ۱۵۵
 صفت شهر قزوین و باغ / ۱۵۷
 صفت فصل خزان / ۱۵۸
 صفت صقه سرچنار / ۱۶۱
 صفت فضای در دولتخانه همایون / ۱۶۳
 صفت حمام باجی خاتون / ۱۶۷
 داستان آمدن شاهزاده روم سلطان بایزید الدرم بهادرخان به رسم التجا و استعانت به درگاه
 نواب شاهی ظل اللهی خلد الله ملکه و سلطانه درین فصل / ۱۷۰
 اریخ قدوم قیصر روم / ۱۷۲
 طلعه در تاریخ / ۱۷۲
 آمدن سلطان بایزید الدرم بهادرخان به خدمت خاقان پادشاه نشان روز چهارشنبه بیست و دوم محرم
 سنه سبع و ستین و تسعمایه مطابق قوی ثیل / ۱۷۳
 حکایت بیرون آمدن قیصر از مجلس بهشت آیین و رفتن به منزل و صفت آذین بندی / ۱۷۸
 تشریف فرم شدن نواب شاه دوست پرور به رسم تهنیت به منزل قیصر / ۱۸۲
 داستان ضیافت عرس / ۱۸۵
 گفتار در گرفتار شدن سلطان بایزید به عمل خود / ۱۹۷
 خاتمه مشتمله بر دعای دولت شاه دین پناه / ۱۹۸

صحیفه الاخلاص ۲۰۱

نعت نبی الابطحی علیه و آله السلام / ۲۰۱
 منقبت امیرالمؤمنین و آل فرخ مال خلیفهم السلام / ۲۰۵
 مدح نواب سیدالسلطنین مالک رقاب الخراین خلد ماه / ۲۰۶
 خطاب زمین بوس / ۲۰۸
 داستانی که از فردوس بنا بر عرض مدعا نقل می شود / ۲۰۹
 تتمه مدعا / ۲۱۳
 آغاز رساله / ۲۱۴
 مجملی از صفت باغ سعادت آباد / ۲۱۵
 صفت دولتخانه همایون / ۲۱۶
 مجلس رزم / ۲۱۶
 تصویر جنگ گرجستان / ۲۱۷
 شکارگاه / ۲۱۸
 شکار ماهی / ۲۱۸
 صفت در مصور جانب ایوان / ۲۱۹
 صفت اوقات گذراندن مردم جعفرآباد در فصل زمستان / ۲۲۱
 داستان به شرف اسلام مشرف شدن عیسی خان بن لوندخان گرجی به تاریخ پانزدهم
 جمادی الاول سنه سبع و ستین و تسعمایه / ۲۲۲
 خاتمه منحصره به دعای بقای عمر و دولت شاه دین پناه / ۲۲۷

مقدمه

زین‌العابدین علی‌عبدی‌بیگ معروف به نویدی شیرازی، در نهم ماه رجب ۹۲۱ هجری قمری (۱۹ اوت ۱۵۱۵ میلادی) در شهر تبریز متولد شد.^۱ جد مادری او خواجه نصیرالدین محمد بن خواجه عمادالدین علی شیرازی در زمان شاه اسمعیل اول، وزیر "حظیره متبرکه" مقدس صفویه^۲ بود. او در سال ۹۱۰ متبرک به هنگام جنگ چالدران، جهت محافظت از زن و فرزند خود که در تبریز اقامت داشتند، از اردبیل به این شهر آمد ولی به وسیله عثمانیان - که تبریز را اشغال کرده بودند- دستگیر شد. آن‌ها او را به همراه خود بردند و از سرنوشتش خبری به دست نیامد.^۳

عبدی‌بیگ در تکملة‌الاخبار ضمن وقایع سال ۱۳۷ هجری در حادثه فرار اولامه سلطان تكلو به عثمانی می‌نویسد، در این سال ابوالغالب سلطان محمد میرزا متولد شد و للگی او را به حسین‌خان شاملو دادند... و نشو نمای خود او (عبدی‌بیگ) را ضمن هنگام شروع شد؛ زیرا پدرش با کمک خان‌خانم زن حسین‌خان، به دستگاه او راه یافت و عبدی‌بیگ که مدتی نزد شیخ علی بن عبدالعالی از علمای بزرگ آن زمان به تحصیل مشغول بود به سمت وزارت شاهزاده محمدمیرزا برگزیده شد و چون پدرش در آن هنگام وفات یافت، به تنهایی نتوانست در دستگاه حسین‌خان بماند و به "دفترخانه همایون" انتقال یافته و به شغل سیاق‌داری مشغول شد.^۴ از منظومه‌های عبدی‌بیگ چنین برمی‌آید که او در تبریز تأهل کرده و پسر ارشدش محمد مؤمن در این شهر تولد یافته و پسر دیگرش جلال‌الدین سلطان محمد، در قزوین متولد شده است.^۵

۱- عبدی‌بیگ شیرازی، تکملة‌الاخبار، نسخه عکسی شماره ۴- ۴۶۲۱ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، برگ ۵۹۶ رو.

۲- همان، برگ ۵۰۶ رو.

۳- همان، برگ ۵۹۶ رو.

۴- عبدی‌بیگ شیرازی، *مجنون و لیلی*، تصحیح ابوالفضل هاشم اوغلی رحیموف (مسکو: دانش، ۱۹۶۷م)، ص ۷.

در سال ۹۴۱ ه‍.ق. عبدی بیگ به شهر وان سفر کرد^۱ و در سال ۹۶۱ ه‍.ق. به گرجستان رفت. او در سال ۹۷۴ ه‍.ق. از قزوین به اردبیل کوچ کرد^۲ و پس از آن که هفت سال در مقبره شیخ صفی کار کرد، در سن ۶۰ سالگی در سنه ۹۸۱ ه‍.ق. مجدداً به قزوین بازگشت و پس از آن که در حدود ۵ الی ۶ سال در قزوین بسر برد، در اواخر عمر به اردبیل بازگشته و در سال ۹۸۸ ه‍.ق. در همان شهر وفات یافت.^۳

در تذکره‌های فارسی تنها به مختصری از شرح حال عبدی بیگ اشاره شده و در تمام آن‌ها از شغل سیاق‌داری و هنر شاعری او تعریف شده است،^۴ از جمله سام میرزا در تحفه سامی، امانت و دیانت و راست‌قلمی بی‌نظیر او را ستوده و می‌نویسد: "در دفترخانه همایون به استیفای دفتر خاصه سرافراز است و در شعر و خیال‌انگیزی در مثنوی ماهر است."^۵

عبدی بیگ مجموعه آثار خود را در سه دیوان جمع‌آوری کرد، که بیشتر آن امروز در دست است و چند نسخه خطی اشعار و آثار او در کتابخانه‌های باکو، لنینگراد، لندن و تهران نگهداری می‌شود. این سه قسمت را سه خمسه تشکیل یافته که عبارتند از:

اول شامل: منظومه‌های مسمی، الاسرار، جام جمشیدی، هفت اختر، مجنون و لیلی، و آیین اسکندری

دوم شامل: جوهر فرد، دفتر دست، دفتر العارفین، انوار تجلی و خزائن ملکوت (مربک از هفت خزانه)

سوم مشتمل بر: روضة الصفات، دوحه‌الایها، حله‌الاثمار، زینة‌الاوراق و صحيفة‌الاخلاص^۶ گذشته از اینها، دو اثر بسیار ارزنده نشر عبدی بیگ باقی مانده است که یکی به نام تکملة‌الاجبار و دیگری صریح‌الملک است. تکملة اخبار کتابی است در تاریخ عمومی که بخش آخر آن مربوط به تاریخ سلطنت شاه تهماسب اول است، و مؤلف آن را به پری‌خان خانم، دختر شاه تهماسب که بانویی مقتدر و کاردان بود، تقدیم کرده است.^۷ صریح‌الملک دفتر کاملی است از امور اوقافی خانقاه اردبیل که از جمله اسناد مهم اقتصادی و اجتماعی دوران صفوی به شمار می‌رود.^۸

۱- تکملة‌الاجبار، نسخه عکسی، برگ ۶۱۹ رو.

۲- همان، برگ ۶۱۹ رو.

۳- عبدی بیگ شیرازی، مجنون و لیلی، ص ۷.

۴- سام میرزای صفوی، تحفه سامی: مشتمل بر اسامی و آثار قریب هفتصد شاعر از شعرای نامدار و گمنام، تصحیح و مقابله وحید دستگردی (تهران: چاپخانه ارمغان، ۱۳۱۴)، ص ۵۹.

۵- لطفعلی خان بن آقاخان آذر بیگدلی، آتشکده آذر (چاپ سنگی)، کاتب حبیب‌الله بن عزیزالله شیرازی (بمبئی، ۱۲۷۷ ق)، ص ۳۰۱.

۶- امین احمد رازی، تذکره هفت اقلیم، تصحیح جواد فاضل (تهران: علی اکبر علمی: ادبیه، بی‌تا)، ص ۲۲۶.

۷- حاج میرزا حسن حسینی فسائی، تاریخ فارسنامه ناصری، (چاپ افست از نسخه چاپ سنگی سال ۱۳۱۴ ق) (تهران: بی‌تا، بی‌تا)، ص ۱۵۶.

۸- سام میرزای صفوی، تحفه سامی، ص ۵۹.

۹- عبدی بیگ، کلیات (نسخه خطی)، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، شماره ۲۴۲۵.

۱۰- عبدی بیگ، تکملة‌الاجبار (نسخه خطی)، کتابخانه ملی ملک، شماره ۳۸۹، ص مقدمه.

۱۱- عبدی بیگ، صریح‌الملک (نسخه خطی) موزه ایران باستان، شماره ۵۷-۵۴.

عبدی بیگ بسیاری از تحولات دوره حکومت شاه اسماعیل صفوی را درک کرده بود. این امر سبب می‌شد تا ضمن اندوختن تجارب فراوان، اطلاعات تاریخی با ارزشی نیز گردآوری نماید، به همین دلیل علاوه بر سرودن مضامین شاعرانه، به نگارش تاریخ و توصیف پایتخت جدید صفوی پرداخته است.

قبل از اینکه قزوین به عنوان پایتخت صفوی انتخاب شود، شاه اسماعیل صفوی، تبریز را به پایتختی برگزیده بود تا هم به مرکز قدرت معنوی خاندان خود در اردبیل نزدیک باشد و هم از جایگاه استقرار پیروان و فدائیان پرشور خود، ایل‌های ترکمان شیعی مذهب، در سرزمین آناتولی فاصله زیادی نداشته باشد. شاه اسماعیل در طول دوران سلطنت خود هر چند گاهی از قزوین دیدار می‌کرد و مدتی را در این شهر به سر می‌برد. با درگذشت شاه اسماعیل و رسیدن پادشاهی به شاه تماسب، درگیری با ازبکان در شرق و عثمانی‌ها در غرب همچنان ادامه یافت. یورش‌های مکرر عثمانی‌ها به خاک ایران و قتل و غارت‌های آنها در ناحیه آذربایجان که گاه تا تبریز پیش می‌آمد، عامل اصلی تصمیم‌گیری دولت صفویه برای تغییر پایتخت از تبریز به شهر دیگر گشت.

شرایط حساس زمان با توجه به تحولات دولت عثمانی در زمان سلطان سلیم و سلطان سلیمان به ایران از یک‌سو و حمله‌های ناگهانی ازبکان از سوی دیگر، ایجاب می‌کرد تا پایتخت جدید در شهری قرار بگیرد که در صورت هر گونه حمله غافلگیرانه از سوی این دو نیرو، همچون تبریز مورد تهدید قرار نگیرد و در عین حال زیاد از میدان‌های نبرد در شرق و غرب فاصله نداشته باشد. بنابراین جهان می‌توان گفت که انتخاب قزوین با توجه به موقعیت استراتژیک آن، انتخابی منطقی به شمار می‌رفته است. انتخاب قزوین، گذشته از دور ساختن پایتخت از گزند تجاوز عثمانیان، عوامل دیگری نیز دخیل بوده است. از جمله وینچنتو دالساندری در سفرنامه خود به مسئله‌ای اشاره دارد که می‌توان آن را به عنوان یکی از عوامل مؤثر در این تصمیم‌گیری قلمداد نمود. او می‌نویسد: «مستند تبریز به دو دسته که یکی نعمتی خوانده می‌شود و دیگری حیدری تقسیم شده‌اند و این جماعت در نه محله سکونت دارند یکی در پنج محله و دیگری در چهار. و عده ایشان در حدود دوازده هزار تن است. این فرقه‌ها پیوسته با هم دشمنی می‌نمودند و همدیگر را کشتار می‌کردند و نه شاه می‌توانست از این کار ممانعت کند و نه دیگران زیرا سی سال بود که این دو دسته از هم نفرت یافته بودند»^۱ بدون شک، قرار داشتن پایتخت در شهری که جوی پرتنش بر روابط میان باشندگان آن حاکم بوده و همیشه نیز در خطر تجاوز دشمن خارجی قرار داشته، با مصالح ملی همساز نمی‌بوده و ایجاب می‌کرده است تا محل آن تغییر کند.

نوشته خلاصه‌التواریخ مستقیم‌ترین اشاره درباره علت تغییر محل پایتخت از تبریز به قزوین به‌شمار می‌رود. در این کتاب، ضمن اشاره به رویدادهای سال سی و دوم از دوران فرمانفرمایی

۱- جوزفا باربارو و دیگران، *سفرنامه‌های ونیزیان در ایران*، ترجمه منوچهر امیری (تهران: خوارزمی، ۱۳۴۹)، ص ۴۴۵.

شاه تهماسب (۹۶۲ ه.ق.)، چنین آمده است: "نواب کامیاب اعلی چون از مهم کار خیر شاهزاده عالمیان اسمعیل میرزا فارغ گشت، در آذربایجان دیگر باعث توقیفی نمانده بود چرا که مهمات حدود و اطراف بلاد روم به صلح منتهی گشته بود، رای عالم بدان قرار گرفت که خطه قزوین که در وسط ممالک محروسه افتاده، از حیث قشلاق و نزدیکی بسیار امصار و بلاد بهترین دیگر محال است، آن را دارالسلطنه نموده رایات عز و جلال همگی در آن بلدة فاخره متمکن گشته پرتو عدالت و رفاهیت و امنیت بر ساحت ساکنان ربع مسکون اندازند. در آن اوان که فصل خزان بود شاه عالمیان از دارالسلطنه تبریز متوجه خطه قزوین شد..."^۱

ذکر جمله "... قزوین که در وسط ممالک محروسه افتاده از حیث قشلاق و نزدیکی به بسیار امصار و بلاد بهترین دیگر محال است..." به روشنی می‌رساند که اداره‌کنندگان حکومت بر آن بوده‌اند تا ضمن دور ساختن پایتخت از خطر تجاوز دشمن آن را به محلی انتقال دهند که از مرکزیت بیشتر نسبت به سایر ایالات برخوردار باشد و در عین حال فاصله خیلی زیاد با منطقه‌های آسیب‌پذیر نداشته باشد؛ زیرا امید آن می‌رفت تا ساکنان شمال و غرب کشور در موقع حمله دشمن چاره‌رایی و تزلزل نگردند و در برابر دشمنان بر جسارت خود بیافزایند. به شهادت مدارک تاریخی، آه ده سال پس از شهر قزوین برای تبدیل آن به پایتخت از سال ۹۵۱ ه.ق. آغاز شد و بیش از یازده سال، سلطان "حامید و زمانی در سال ۹۶۲ ه.ق. کار انتقال صورت پذیرفت که بنابر به نوشته خلاصه‌التواریخ "... مهارت حدود و اطراف بلاد و روم به صلح منتهی گشته بود..." یعنی آنکه حکومت با دوران دشمنی سرچشمه تمامتر زمانی به جابجایی پایتخت اقدام می‌کند که در موضع قدرت بوده است تا هم مردم آذربایجان دچار تشویش نشوند و هم آنکه عثمانی‌ها آن را حمل بر ضعف قدرت ایران نکنند.

قاضی احمد قمی مؤلف خلاصه‌التواریخ می‌نویسد: "... در این سال [۹۵۱] شاه صاحب اقبال را به خاطر رسید که در قزوین باغی احوال نمایند. تا آنکه در غایت شادمانی حجة سنة مذکور، اراضی موسوم به «زنگی‌آباد» را از غفران پناه میرزا شرف جهان خریداری کرده باغی از باغ ارم دلگشاستر و از فردوس روح‌افزاتر احوال نمود و مهندسان دانشور و بنایان صاحب علم ممالک محروسه را بدانجا طلب نموده طرح باغ مربع فرموده به باغ سعادت‌آباد موسوم ساختند و در میان آن باغ عمارات عالی و تالارها متعالی و ایوانها و حوضها طرح انداخت و در دروازه آنرا به غایت مرتفع و عالی بنا نهاده پیش‌طاق آن سر به سر سپهر برافراشته و به کاشی الوان آراسته در پایان آن برج کبوتری که برابری با سر طایر نمودی ساخت و عرصه باغ را به طریق هندسه به گذرهای مربع چمنهای مثلث و مسدس بخش کرده در میان خیابان آن نهری عظیم جاری گردانید. و در حواشی آن اشجار چنار و سفیدار نشانیده، و مربعهای اطرافش به اشجار گل و یاسمن و ارغوان و نارون و سایر درختان میوه‌دار آراست."^۲

۱- قاضی احمد قمی، خلاصه‌التواریخ، تصحیح احسان اشراقی (تهران: دانشگاه تهران، چاپ دوم ۱۳۸۳)، ج ۱ ص ۳۷۸.

۲- قاضی احمد قمی، خلاصه‌التواریخ، ج ۱ ص ۳۱۲-۳۱۳.

قبل از آن به فرمان پادشاه صفوی، بنای شهر جدیدی بنام «جعفرآباد» در شمال شهر قدیمی آغاز شده بود که وجه تسمیه آن به سبب نام امام جعفر صادق (ع) بود. در پاییز سال مذکور پادشاه صفوی با تشریفات بسیار وارد قزوین گردید و چون عمارت دولتخانه جدید پایان نیافته بود به دولتخانه کهنه که سابقاً یکی از منازل قاضی جهان حسنی بود وارد شد و از آنجا به امر کشورداری پرداخت. قاضی احمد در وقایع سال ۹۶۶ می‌نویسد: "... هم درین سال... عمارت عالیة رفیعة باغ سعادت آباد از منازل درون و بیرون و خیابان و عمارات دولتخانه مبارکه به اتمام رسید. چون شاه جهان و امرا و وزرا و قورچیان و مقربان و سایر باریافتگان درگاه همایون منازل بی نظیر و عمارات دلپذیر در جانب شمال قزوین احداث نموده سواد مصر اعظمی بهم رسید، نواب کامیاب لقب آن خطه پاکیزه باب جنت نهاده، مسمی به جعفرآباد گردانیدند... و هم درین سال... از دواخانه قدیم به دولتخانه مجدد نقل و تحویل فرمودند." در تاریخ اوقات شاه تهماسب در دولتخانه واقع در جعفرآباد قاضی عطاءالله رازی شاعر چنین آورده است:

زهی قصر را رفعت شاه عالی	که شد آستانش به کیوان مقابل
چو شه بفرارش رود عین گوید	کلیمی گرفتست در طور منزل
بی سال اتمام آن فکر کردم	ز یک مصرع آمد دو تاریخ حاصل
شه از سال تاریخ پرسید گفتم:	«بهشت برین» است و «خیرالمنازل» ^۱

در این قطعه دو عبارت «بهشت برین» و «خیرالمنازل» به حساب حروف ابجد: ۹۶۶ است که با سال استقرار شاه تهماسب در دولتخانه قزوین مطابقت دارد. عبدی بیگ در «دوحة الازهار»، این گونه از جعفرآباد یاد می‌کند:

شهنشه شهری اندر جنب قزوین	فکنده طرح با سوزید و تزیین
به نام آن شهر عالی جعفرآباد	که شاه جعفری افتخار بنیاد
به این نام نکو معمور گشته	به دارالسلطنه مشهور گشته ^۲

شاه تهماسب صفوی، پس از اتمام احداث باغ سعادت آباد، جعفرآباد و دولتخانه، عبدی بیگ را مأمور به توصیف عمارات و باغات سلطنتی نمود. عبدی بیگ در اشعار خود به این موضوع اشاره دارد که برای وصف باغات و عمارات مأمور گشته:

۱- قاضی احمد قمی، خلاصة التواریخ، ج ۱ ص ۳۹۹، ۴۰۱.

۲- قاضی احمد قمی، خلاصة التواریخ، ج ۱ ص ۴۰۰-۴۰۱.

۳ رجوع شود به ص ۶۷.

سحری کش نیست فرق اعجاز	بگشاده زبان سحر پرداز
وان امر به گوش جان شنیده	امر شه ملک و دین رسیده
بنهاده چنین رفیع بنیاد ^۱	در وصف دیار جعفرآباد

همچنین عبدی بیگ آورده که بعضی از باغات و عمارات را در پی شاه تهماسب نظاره کرده:

چراغ دوده آل محمد	شه سیاره جیش مهر مسند
به حال لطف‌های بس عجب کرد	به بزم جنت آیینم طلب کرد
به سیر باغ شدا ز مسند خویش	پس آنگه بانشاط بیش از پیش
به خدمت بر زنم من نیز دامان	شارت شد که در سلک غلامان
قدم بر خلد و سر بر چرخ سودم	به فرمان بنده هم جستی نمودم
همه باغ حرم در خدمتش سیر	به خرقه سودم فارغ از غیر
درو کردم ز نقد جان نثاری	به سر من می کردم گذاری
دعایی از ته دل ساز دادم	به هر روضه که چشم خوشام
به سیر بام قصرم کرد ایما ^۲	درین اثنا شه خرسید ایما

بر اساس ابیات ذکر شده، درجه اهمیت باغات و عمارت در نظر شاه تهماسب آشکار می‌گردد و احتمالاً هدف شاه از همراه نمودن عبدی بیگ این بوده که ضمن دیدار عبدی بیگ از تمامی باغات و عمارات جعفرآباد (حتی اماکنی که عبدی بیگ اجازه دخول بدان‌ها نداشته) برخی نکات و نظرات خود را به شاعر گوشزد نماید. به این ترتیب عبدی بیگ سومین مثنوی خود را به نام جنات عدن به توصیف مجموعه عمارت‌ها، باغ‌ها و مسکنات شاه تهماسب در قزوین، اختصاص می‌دهد.

مثنوی جنات عدن شامل پنج منظومه است که بنابر تصریح شاعر، هر یک بر یکی از اوزان خمسه نظامی (به ترتیب مخزن الاسرار، خسرو و شیرین، لیلی و مجنون، هفت پیکر و اسکندرنامه) سروده شده‌اند.^۳ هر پنج منظومه با حمد خدا، ستایش پیامبر اسلام و امامان شیعه، و مدح شاه تهماسب آغاز و به عرض بندگی و دعای بقای عمر و دولت شاه خاتمه می‌یابد.

عبدی بیگ، در روضه‌الصفات که ۶۶۲ بیت دارد، پس از ذکر سبب نگارش، به توصیف باغ سعادت‌آباد و ارشی‌خانه و حوض و ایوان آن پرداخته و سپس چهارده باغ جانب شرقی، و نه باغ و عمارات جانب غربی را نامبرده و توضیح می‌دهد.

۱- رجوع شود به ص ۱۴۷.

۲- رجوع شود به ص ۱۰۰-۹۹.

۳- رجوع شود به ص ۲۸.

هر که بران صفه زد از شوق گام
کرد ز معراج به گردون خرام
رفت بر ایوان و برافراخت سر
حوض مرتع به نظر جلوه گر^۱

دو حقه‌الازهار طولانی‌ترین منظومه جنات عدن که در ۱۱۷۰ بیت سروده شده، به تفصیل از باغ سعادت‌آباد و ایوان‌های آن سخن می‌گوید. از دیگر مقولات این منظومه وصف دولتخانه شامل باغ حرم و عمارات آن، و دیوانخانه، ایوان شاهی و چندین دیوارنگاره منقوش در ایوان است. شاعر در این منظومه بار دیگر بیست و سه باغ جانب شرقی و غربی جعفرآباد را نام برده و به شرح عمارت شروانی می‌پردازد. او همچنین از خیابان، عمارت جهان‌نما و میدان اسب سخن به میان می‌آورد. عبدی‌بیگ از این به بعد در هر منظومه‌ای فصلی از سال را در توصیفات خود وارد می‌نماید، تا احساس فضاهای معمارانه را ملموس‌تر ساخته و ارتقاء بخشد. فصل انتخابی شاعر برای دو حقه‌الازهار، بهار است.

مبارک باد این ایوان شاهی
برین مصدوقه ظل الهی
شه ایوان در و انش و داد
کرو شد باغ دین جعفرآباد^۲

جنت‌الاثمار در ۶۴۰ بیت، جعفرآباد، خیابان، دولتخانه، ایوان و پرده‌های نقاشی آن و باغ سعادت‌آباد را وصف می‌کند و فصل نهمین و بیستمی آن را، با اشاره به نام هشت مزرعه و جالیز، و همچنین نکویی هندوانه و انواع حربزه توضیح می‌دهد.

آراسته کوچه خیابان
خاک را از پی طوف او شتابان
بر رخسار دلپذیر هموار^۳
برخاسته از دو سوی دیوار

زینت‌الاوراق، چهارمین منظومه، ۱۰۸۹ بیت دارد. این منظومه به مهر قزوین و مقایسه آن با دیگر شهرها، صفه سرچنار، دروازه دولتخانه و حمام باجی‌خاتون پرداخته است. فصل متناظر این منظومه پاییز است. همچنین بخش قابل توجهی از ابیات، داستان بایزید پسر سلطان سلیمان را از آغاز پناهندگی تا فرجام بیان می‌کند.

وه چه قزوین که آسمان برین
در نواحی اوست خاک‌نشین
چرخ از گردش شب‌انروزی
طوف او کرده بهر فیروزی^۴

۱- رجوع شود به ص ۴۲.

۲- رجوع شود به ص ۷۸.

۳- رجوع شود به ص ۱۲۶.

۴- رجوع شود به ص ۱۵۷.